

مدونا با پالتوی پوست

نویسنده: صباح الدین علی

ترجمه: سولماز حسن زاده

(از ترکی استانبولی)



کتابخانه

سرشناسه: علی، صباح‌الدین، ۱۹۰۶-۱۹۴۸ م. Sabahattin, Ali.. عنوان و نام پدیدآور: مدونا با پالتوی پوست / صباح‌الدین علی: ترجمه از ترکی استانبولی سولماز حسن زاده.. مشخصات نشر: تهران: هیرمند، ۱۳۹۵.. مشخصات ظاهری: ۱۴۶ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م. ر. ق.م. فروست: شهرزاد.. شابک: ۹-۴۱۱-۴۰۸-۹۶۴-۹۷۸.. وضعیت فهرست نویسی: فیبا.. یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.. یادداشت: عنوان اصلی: mantolu madonna. BÜyÜ k hik â ye KÜrk ۲۰۱۵.. یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "مدونایی با پالتو پوست" توسط "نگاه" در سال ۱۳۹۴ فیبا گرفته است.. موضوع: داستان‌های ترکی-ترکیه - قرن ۲۰ م.. موضوع: Turkish fiction-Turkey-20 th century.. شناسه افزوده: حسن زاده، سولماز، ۱۳۵۹، مترجم؛ زده پندی کنگره: ۱۳۹۵/ع ۲۴۸/PL.. زده پندی دیویی: ۸۹۴/۳۵۳۳.. شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۵۶۱۷۴

مراکز فروش

انتشارات هیرمند: محل انقلاب، تهران، پلاک ۲۰۳
بین دوازده فروردین و فخر، ۶۶۲۰۹۷۸۷ تلفن:
www.hirmandpublishing.com

شهر کتاب بوستان: پونک، مرکز تهران، بوستان، در سنگ مرکزی
۴۴۴۹۸۳۲۵ تلفن: www.bbookcity.com

عنوان و نام پدیدآور: مدونا با پالتوی پوست / صباح‌الدین علی
مترجم: سولماز حسن زاده
چاپ اول: ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹-۴۱۱-۴۰۸-۹۶۴-۹۷۸
صفحه آرای: کارگاه نشر هیرمند
آماده‌سازی: آتلیه‌ی هیرمند
طراحی و گرافیک: کارگاه هیرمندپیپر
چاپ و صحافی: اسطوره
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

نماید از میان تمام کسانی که تا امروز دیده‌ام، یک نفر بیش از بقیه متأثرم کرده باشد. با وجود گذشت ماه‌ها، هنوز نتوانسته‌ام از این تأثیر رها شوم! همین که با خودم می‌گفتم: «چهره‌ی صادق «رائف افندی» مقابل چشمانم جان می‌گیرد، نگاهی متأثرانه به بقیه‌ی آدم‌ها، وقتی اتفاقی با کسی روبه‌رو می‌شد، سعی می‌کرد لبخند بزنم. آدم‌رفی‌عاده‌ای نبود، اتفاقاً خیلی هم معمولی بود، مثل صدها آدمی که هر روز از کنارمان رد می‌شوند و نگاه‌شان هم نمی‌کنیم. معلوم بود در زندگی خصوصاً این چری بی‌ای کنجکاوی ندارد. وقتی با چنین آدم‌هایی روبه‌رو می‌شویم، این سؤال خودمان سؤال می‌کنیم: این آدم‌ها واقعاً برای چه زنده هستند؟ از زندگی چه می‌فهمند؟ طبق چه منطق و حکمتی زندگی می‌کنند؟ اما هنگام مطرح کردن این سؤالات، تنها ظاهر آن آدم‌ها را می‌بینیم، اصلاً به ذهن‌مان خطور نمی‌کند که آن‌ها هم به‌خاطر داشتن مغزی محکوم به کار کردن، دنیایی در درون خود دارند. دیدن ظواهر غیردنیوی آن‌ها به جای حکم دادن در مورد زندگی نکردن انسان شاید با جستجوی کوچک انسانی و کنجکاوی ظریف، با ثروتی روبه‌رو می‌شویم که اصلاً انتظارش را نداشتیم. اما انسان‌ها از سر زیاده‌خواهی، ترجیح می‌دهند پیگیر چیزی باشند که عایدی بیشتری برایشان داشته باشد. واضح است یافتن قهرمانی که حاضر باشد وارد چاهی شود که در اعماق آن ازدهایی

انتظارش را می‌کشد، بسیار آسان‌تر از یافتن قهرمانی است که بخواهد وارد چاهی شود که نمی‌داند چه چیزی در اعماق آن هست. آشنایی نزدیک من با «رائف افندی» کاملاً تصادفی بود.

www.ketab.ir